

بررسی ارتباط افشای مسئولیت اجتماعی شرکت ها و اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش ساختار مالکیت

زیبا عزتی

کارشناسی ارشد حسابداری.
zibaezzati699@gmail.com

ناصر خداداده‌ی شاملو

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران. (نویسنده مسئول).
n.khodadadeh@yahoo.com

مسعود حاجی زاده

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
Msd.hajizadeh66@gmail.com

شماره ۴۰ / بهار ۱۴۰۰ (جلد سوم) / صص ۱۳۱-۱۴۶
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره چهارم)

چکیده

در گزارش‌های مالی، مالیات نشانگر سهم دولت از سود شرکت‌ها می‌باشد. اجتناب مالیاتی به معنای صرفه‌جویی مالیاتی ناشی از کاهش مالیات پرداختی عمومی است که گاهی اوقات قانونی بودن آن مورد تردید بوده و به مفهوم تعداد معاملات برای به حداقل رساندن بدهی‌های مالیاتی به شمار می‌آید. شرکت‌ها مسئولیت‌هایی در مقابل ذینفعان، جامعه و سایرین دارند که تحقق این مهم گاهی در گرو رعایت سایر مسئولیت‌ها نیز می‌باشد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی معیارهایی هستند که می‌تواند نمایانگر اهداف پاسخگویی مدیران در شرکت‌ها باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی با تأکید بر ساختار مالکیت است. در این پژوهش اجتناب مالیاتی از معکوس نرخ موثر مالیاتی اندازه‌گیری شده است. افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نیز با استفاده از مطالعات آقای و کاظم پور (۱۳۹۵) تشخیص داده شده است. برای اندازه‌گیری ساختار مالکیت از سه معیار مالکیت مدیریتی، مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت بهره گرفته شد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی علی پس رویدادی می‌باشد. جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند و با روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۳۰ شرکت در نمونه آماری قرار گرفته‌اند. دوره زمانی پژوهش سال‌های ۹۳ تا ۹۷ است. برای آزمون فرضیه‌ها از تجزیه و تحلیل رگرسیون بهره‌گیری شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی ارتباطی وجود ندارد، اما مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی در سطح معناداری ۹۰ درصد می‌توانند ضمن اینکه منجر به کاهش افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌شوند به میزان اجتناب مالیاتی نیز اضافه کنند.

واژه‌های کلیدی: افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، اجتناب مالیاتی، ساختار مالکیت، مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی.

مقدمه

امروزه شرایط اقتصادی کشورها ایجاب می‌کند بخش عمده‌ای از درآمدهای دولت از طریق مالیات تأمین شود. سهم از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها متفاوت است. در این میان بحث مربوط به اجتناب مالیاتی باعث گردیده درآمدهای حاصل از مالیات کشورها همواره از آنچه برآورد شده، کمتر باشد. اما مدیران شرکت‌ها نیز در پی یافتن روش‌هایی هستند تا در وهله اول ثروت را در داخل شرکت نگه دارند و از انتقال آن به غیر از سهامداران جلوگیری نمایند، شرکت‌ها به عنوان عضوی از محیط اجتماعی همواره باید این نکته را مد نظر قرار دهند که در کنار تعهدات خود برای سهامداران به اجتماع نیز تعهداتی دارند و بایستی برنامه‌های زمانی و عملیاتی لازم را در ایفای مسئولیت‌های خود بکار گیرند. در این میان ساختار مالکیت شرکت‌ها تعیین کننده نوع استراتژی‌های شرکت‌ها در قبال تعهدات اجتماعی خواهد بود و مسئولیت آن‌ها را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین بررسی این نکته آیا مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها با اجتناب مالیاتی ارتباط دارد؟ مسئله مهمی برای انتظارات جامعه از شرکت‌ها است و در ادامه نقش مالکیت در این ارتباط چگونه خواهد بود؟ تا مسئولیت عوامل شرکتی را در این زمینه مشخص کند. بنابراین بررسی این موضوع که تعهدات اجتماعی شرکت‌ها در قبال جامعه منجر به ارزش‌آفرینی برای اقتصاد خواهد بود یا فرار از آن ضروری به نظر می‌رسد.

بیان مساله

هدف این تحقیق بررسی ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش ساختار مالکیت در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. با توجه به هدف مطرح شده رگو^۱ (۲۰۰۸) معتقد است اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان به‌کارگیری و استفاده از روش‌هایی است که از طریق خلاءهای قانونی، پرداخت مالیات بر درآمد شرکت را کاهش می‌دهد. هانلون و هتزمان^۲ (۲۰۰۹)، اجتناب از پرداخت مالیات را کاهش آشکار و صریح مالیات تعریف کرده‌اند. دسای و دارماپالا^۳ (۲۰۰۹) فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را ابزارهای صرفه‌جویی مالیات می‌دانند که منابع را از سمت دولت به سمت سهامداران انتقال می‌دهد که ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد.

مدیران از گذشته تا حال تلاش‌های فراوانی در جهت کاهش بار مالیاتی شرکت انجام داده‌اند و این مهم معمولاً از طریق راه‌های قانونی (مدیران و اداره‌کنندگان شرکت‌ها سعی می‌کنند بدون هرگونه تخطی از قوانین و مقررات جاری کشور و حتی استفاده از خلاءهای قانونی اقدام به این کار می‌کنند) و یا از طریق تقلب (اعمال خلاف قانون) صورت می‌گیرد (حمیدیان، ۱۳۹۶).

بر اساس دیدگاه نمایندگی این تلاش مدیران در جهت افزایش ثروت سهامداران و یا جلوگیری از انتقال ثروت به بیرون مورد حمایت می‌باشد ولی از نظر اخلاق تجاری، منافع اقتصادی و مسئولیت‌های اجتماعی فعالیت‌های مدیران از این طریق زیر سؤال می‌رود. گاهی پرداخت مالیات به عنوان تبعیت و احترام مدیران به مسئولیت‌های اجتماعی مطرح می‌شود. بر اساس دیدگاه ذینفعان مالیات پرداختی یکی از عناصر اصلی مسئولیت‌های اجتماعی می‌باشد. لاینس و ریچاردسون^۴ (۲۰۱۵) دریافتند

¹ Rego

² Hanlon and Heitzman

³ Desai and Dharmapala

⁴ Lanis and Richardson

که شرکت‌های دارای مسئولیت اجتماعی، کمتر درگیر یک اختلاف مالیاتی و اختلاف نظر در مورد تعهدات مالیاتی خود هستند. هوی و همکاران^۱ (۲۰۱۳) و لاگویر و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند شرکت‌هایی که فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی پایینی دارند، در اجتناب مالیاتی تهاجمی عمل می‌کنند.

در مقابل مطالعات دیوس و همکاران^۲ (۲۰۱۶)؛ لندری و همکاران^۳ (۲۰۱۳)؛ لانیس و ریچاردسون^۴ (۲۰۱۳) وجود رابطه مثبت بین افزایش مسئولیت‌های اجتماعی و اجتناب مالیاتی مطرح کردند.

از این رو مسئولیت اجتماعی شرکت با توجه به بحث مالیاتی یکی از موضوعات بحث‌برانگیز سال‌های اخیر بوده است تا جائیکه نهادهای بین‌المللی استانداردهایی را در این زمینه ارائه کردند. استیوان و درام وان^۵ (۲۰۱۱) مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را مجموعه اقداماتی می‌دانند که در آن شرکت‌ها دخالت خود در فعالیت‌های اجتماعی را در نظر می‌گیرند و همچنین اثرات مخرب کسب‌وکار بر جامعه و محیط طبیعی را کاهش می‌دهند. با این حال در قرن ۱۸ نقش شرکت‌ها صرفاً اقتصادی بود و به ایجاد حداکثر سازی سود سهامداران محدود می‌شد و نقش مدیران و سهامداران مطرح بود، در حالیکه در قرن حاضر ایده مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، پاسخگوی این چالش گسترده می‌باشد که نه تنها درگیر بحث‌های اقتصادی و مالی بلکه درگیر تعاملات اجتماعی، انسانی و نیز زیست‌محیطی می‌باشد ولی در مقابل هر شرکتی که می‌خواهد از توسعه پایدار اطمینان یابد، مجبور است از مزیت تعامل در یک رویکرد اجتماعی چشم‌پوشی کند (دخیلی و انسی^۶، ۲۰۱۲). بنابراین شرکت‌ها با آنکه موسسه اقتصادی مطرح می‌شوند، اساساً یک نهاد اجتماعی هستند و بایستی به پیامدهای اجتماعی فعالیت‌های خود اهمیت بدهند و بین مسئولیت‌های متضادی که نسبت به گروه‌های ذینفع مختلف دارند، تعادل برقرار سازند و خود را به عنوان شرکت‌هایی با مسئولیت اجتماعی به تصویر بکشند (احمد و همکاران، ۲۰۱۲).

نتیجه‌ای که از مطالعات تارک البدالفتاح و احمد ابویید (۲۰۲۰)؛ لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۵)؛ لاگویر و همکاران (۲۰۱۳)؛ هوی و همکاران (۲۰۱۳) و سایر مطالعات در داخل و خارج از کشور بدست آمد، نشانگر نتایج متضادی می‌باشد و محققانی نظیر گوپتا و نیوبری^۷ (۱۹۹۷) و گراهام و توکر^۸ (۲۰۰۶) معتقدند محرک‌های ساختاری در این زمینه وجود دارد که تعامل مسئولیت‌های اجتماعی با آن‌ها می‌تواند در نهایت به نفع سهامداران شرکت و در آخر جامعه گردد. یکی از معیارهای مورد اشاره توسط محققان فوق ساختار مالکیت می‌باشد.

ساختار مالکیت از آنجا که در حوزه راهبری شرکتی مطرح است، نشان می‌دهد ترکیب سهامداران شرکت‌های مختلف متفاوت است. بخشی از مالکیت شرکت‌ها در اختیار سهامداران جزء و اشخاص حقیقی قرار دارد و مثل استفاده‌کنندگان از اطلاعات، قدرت بیشتری در افزایش مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها ندارند. در حالیکه بخش دیگری از مالکیت شرکت‌ها در اختیار سهامداران حرفه‌ای قرار دارد که بر خلاف گروه سهامداران نوع اول، اطلاعات داخلی با ارزش درباره چشم اندازهای آتی و

¹ Hoi et al

² Davis et al

³ Landry et al

⁴ Lanis

⁵ Setiawan and Darmawan

⁶ Dkhili and Ansi

⁷ Gupta and Newberry

⁸ Graham and Tucker

راهبردهای تجاری شرکت از طریق ارتباط مستقیم با مدیران شرکت در اختیار ایشان قرار می‌گیرد (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴).

مطالعات کرانا و موسر^۱ (۲۰۰۹)، نشان می‌دهد که شرکت‌های با سطح مالکیت نهادی بالاتر عموماً از پرداخت مالیات بیشتر اجتناب می‌کنند. ایندرا خورانا و موسر (۲۰۰۹) نیز این را تأیید کردند. در ایران نیز مطالعات مشایخی و سیدی (۱۳۹۴)، نشان می‌دهد بین معیارهای راهبری شرکتی (ویژگی‌های هیأت مدیره) و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد و یا در مقابل مطالعات حمیدیان (۱۳۹۶) و دیدار و همکاران (۱۳۹۳) رابطه معکوس را تأیید می‌کند.

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و شکاف موجود در نتایج مطالعات تجربی صورت گرفته و نقش اساسی ساختار مالکیت در ایفای مسئولیت‌های اجتماعی و پرداخت مالیات شرکت، این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤالات زیر می‌باشد تا بتواند ادبیات نظری پژوهش را تقویت و به دینفعان از پژوهش کمک نماید.
از این رو سؤالات پژوهش عبارتند از:

۱. ارتباط بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی چگونه است؟
۲. ساختار مالکیت بر ارتباط بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی چه تأثیری دارد؟

پیشینه تجربی پژوهش

در ادامه به مرور مطالعات صورت گرفته در خارج و داخل کشور به ترتیب زمانی جدید به قدیم پرداخته می‌شود.
پیشینه خارجی

تارک ابدالفتاح و احمد ابوید^۲ (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان اجتناب مالیاتی، حاکمیت شرکتی و مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌ها در شرکت‌های بورسی مصر به این نتیجه رسیدند در شرکت‌های پیچیده و ساختار مالکیت خانوادگی افشای مسئولیت‌های اجتماعی بیشتر است. همچنین کاهش افشای مسئولیت‌های اجتماعی بیشتر منجر به اجتناب مالیاتی و به عبارتی افزایش بازده شرکت می‌گردد.

جوست کورمان و پاتریکس ویلیت^۳ (۲۰۱۹)، در بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی، بر اجتناب از مالیات شرکتی نشان دادند که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی اثربخش، باعث مدیریت اجتناب از مالیات، در سطح بهینه مخصوص شرکت می‌شود.
آرمسترانگ و همکاران^۴ (۲۰۱۵)، به بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. آنها دریافتند که تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی بیشتر در دو سر طیف یا به عبارتی دیگر دنباله‌های جدول آماری اجتناب مالیاتی وجود دارد. همچنین رابطه مثبتی بین درصد اعضای غیرموظف و مهارت مالی هیأت مدیره در سر طیف بالای اجتناب مالیاتی مشاهده کردند و این رابطه در سر طیف پایین یا به بیان دیگر، دنباله پایین تابع اجتناب مالیاتی مشاهده نمودند.

¹ Khuruna and Muser

² Tarek Abdelfattah, Ahmed Aboud

³ JostKovermannPatrickVelte

⁴ Armstrong

واتسون^۱ (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان تاثیر عملکرد درآمدی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت ها و اجتناب مالیاتی به این نتیجه رسید که وقتی عملکرد درآمدی پایین باشد می تواند تاثیر مثبتی بر ارتباط بین اجتناب مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت ها داشته باشد و این رفتار زمانی عملکرد بالا باشد، کاهش داشته باشد.

هیروول و همکاران^۲ (۲۰۱۴)، در مطالعه ای ساختار مالکیت شرکت و اجتناب از مالیات را مورد بررسی قرار دادند و بیان کردند روش های اجتناب مالیاتی به اندازه وضع مالیات دارای قدمت بوده و شرکت ها در دهه های اخیر شیوه اجرای آن را پیچیده تر کردند اما مکانیزم های دولتی می تواند اجتناب مالیاتی را کاهش دهد.

هوی و همکاران^۳ (۲۰۱۳)، در پژوهشی بدنبال پاسخ به این سوال بودند که آیا مسئولیت اجتماعی شرکت ها با اجتناب مالیاتی می تواند همراه باشد یا خیر؟ نتایج پژوهش آنها نشان داد که شرکت های با فعالیت غیرمسئولانه بیش از حد به احتمال زیاد به دنبال اجتناب مالیاتی هستند.

هوزینوف و کلام^۴ (۲۰۱۲)، در بررسی ارتباط اجتناب مالیاتی، مدیریت مالیات و مسئولیت های اجتماعی شرکت ها به این نتیجه رسیدند که اثار متقابل انتظارات اجتماعی با حق الزحمه مدیریت مالیات بر نرخ موثر مالیات نقدی و مبتنی بر استانداردهای حسابداری تاثیر مثبت و معناداری دارد اما نقش تعاملی اقتدار حاکمیت شرکتی و تنوع بخشی با حق الزحمه های مدیریت مالیات با نرخ موثر مالیات نقدی اثر منفی دارد.

پیشینه داخلی

حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان الگویی برای تاثیر ابعاد منتخب مسئولیت اجتماعی شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی، به تاثیر معنادار مسئولیت های اجتماعی بر فرار مالیاتی رسیدند.

حساس یگانه و رضایی (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان مدلی برای تاثیر مسئولیت اجتماعی، هزینه های مدیریت مالیات شرکت، بر اجتناب و فرار مالیاتی نشان دادند بین مسئولیت های اجتماعی شرکت ها و هزینه های مدیریت مالیات شرکت با اجتناب و فرار مالیاتی وجود دارد.

حمیدیان (۱۳۹۶)، در بررسی ابعاد مختلف راهبری شرکتی با اجتناب مالیاتی به این نتیجه دست یافت که بین نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد و نیز میزان مالکیت و نفوذ دولت در شرکت و اجتناب مالیاتی شرکت ها رابطه معناداری وجود ندارد.

رضایی و عظیمی (۱۳۹۴)، در بررسی رابطه بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و مدیریت مالیاتی به این نتیجه دست یافتند که بین میزان مالکیت سهامداران نهادی و متغیرهای نرخ موثر مالیات نقدی بلند مدت و نرخ موثر مالیات تعهدی بلند مدت ارتباط مستقیم وجود دارد، اما بین میزان مالکیت سهامداران نهادی و متغیرهای نرخ موثر مالیات نقدی و نرخ موثر مالیات تعهدی ارتباط معنادار مشاهده نشد. همچنین بین نقش دوگانه مدیرعامل و نرخ موثر مالیات نقدی رابطه معکوس وجود دارد ولی بین نقش دوگانه مدیرعامل و متغیرهای نرخ موثر مالیات تعهدی و نرخ موثر مالیات تعهدی بلند مدت ارتباط معناداری مشاهده نگردید. در نهایت بین استقلال اعضای هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی ارتباط معناداری مشاهده نگردید.

¹ Watson

² Hairul et al

³ Hoi et al

⁴ Huseynov and Klamm

باباجانی و عبدی (۱۳۸۹)، به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات پرداختند. نتایج بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت های که ساز و کار حاکمیت شرکتی را دارا هستند، با گروه شرکت هایی که ساز و کار حاکمیت شرکتی را دارا نیستند بوده است. این در حالی است که در هر گروه شرکت ها، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنادار بوده است.

روش پژوهش

با توجه به اینکه، نتایج این پژوهش می تواند توسط سازمان بورس اوراق بهادار، سرمایه گذاران، شرکت ها، دانشگاه ها، سایر مراکز علمی - پژوهشی مورد استفاده قرار گیرد، از اینرو، جزو پژوهش های کاربردی می باشد. از طرفی با بررسی ارتباط بین چند متغیر، در زمره تحقیقات همبستگی قرار می گیرد و از آنجا که جهت ارزیابی وضعیت موجود و پیش بینی آینده از اطلاعات گذشته (پس از وقوع) بهره می برد، جزو تحقیقات پس رویدادی خواهد بود. فرضیه های مطرح شده در پژوهش حاضر عبارتند از:

- فرضیه اول: بین مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها و اجتناب مالیاتی ارتباط وجود دارد.
- فرضیه دوم: ساختار مالکیت بر ارتباط بین مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها و اجتناب مالیاتی تأثیر دارد.
- فرضیه فرعی ۱-۲: مالکیت مدیریتی بر ارتباط بین مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها و اجتناب مالیاتی تأثیر دارد.
- فرضیه فرعی ۲-۲: تمرکز نهادی بر ارتباط بین مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها و اجتناب مالیاتی تأثیر دارد.
- فرضیه فرعی ۳-۲: تمرکز مالکیت بر ارتباط بین مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها و اجتناب مالیاتی تأثیر دارد.

قلمرو پژوهش

قلمرو موضوعی پژوهش: از لحاظ موضوعی، پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها و اجتناب مالیاتی با تأکید بر ساختار مالکیت می پردازد. قلمرو مکانی پژوهش: شامل بورس اوراق بهادار تهران می باشد. قلمرو زمانی پژوهش: با توجه به تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش از ابتدای سال ۱۳۹۳ تا پایان ۱۳۹۷ می باشد.

جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، شامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ است. در این پژوهش به منظور انتخاب جامعه مورد مطالعه از روش حذف هدفمند استفاده شده است. بدین منظور کلیه شرکت های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده اند برای پژوهش انتخاب شدند.

۱. قطعیت یافتن مالیات ابرازی شرکت ها در طی بازه زمانی تحقیق.
۲. موسسات مالی و واسطه گری مالی حذف گردیدند.
۳. شرکت های لغو پذیرش و یا انتقال داده شده به فرابورس حذف گردیدند.
۴. در دسترس بودن اطلاعات مرتبط با متغیرهای پژوهش.

در نهایت اطلاعات ۱۳۰ شرکت نمونه آماری پژوهش را تشکیل دادند.

تعریف عملیاتی متغیرها

متغیرهایی که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی

برای سنجش اجتناب مالیاتی، از نرخ مؤثر مالیاتی دفتری (ERT) استفاده می‌گردد که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$ETR_{i,t} = \frac{TTE_{i,t}}{PTE_{i,t}}$$

که در آن:

$ETR_{i,t}$: نرخ مؤثر مالیاتی شرکت i در سال t .

$TTE_{i,t}$: کل هزینه مالیات شرکت (تشخیصی) i که در سال بعد یا سال های بعدی قطعی شده است.

$PTE_{i,t}$: سود قبل از مالیات شرکت i در سال t .

در نهایت عدد بدست آمده به دلیل ارتباط معکوس نرخ مؤثر مالیاتی با اجتناب مالیاتی در منفی یک ضرب می‌شود. هرچه عدد بدست آمده به صفر میل کند اجتناب مالیاتی کمتر و برعکس.

۲- متغیر مستقل: (مسئولیت پذیری اجتماعی)

مسئولیت پذیری اجتماعی در پژوهش حاضر با استفاده از چک لیست مورد استفاده در مطالعات آقایی و کاظم پور (۱۳۹۵)، که شامل مسائل محیطی، محصولات و خدمات، منابع انسانی، مشتریان، مسئولیت پذیری اجتماعی و انرژی می‌باشد، مورد سنجش قرار می‌گیرد.

ردیف	شرح	بله	خیر
مسائل محیطی	آیا اطلاعاتی راجع به کنترل آلودگی و جلوگیری از خسارت زیست محیطی ارائه شده است؟		
	آیا راجع به بازیافت یا جلوگیری از ضایعات ارائه شده است؟		
	آیا اطلاعاتی راجع به حفظ منابع طبیعی ارائه شده است؟		
	آیا اطلاعاتی راجع به تحقیق و توسعه ارائه شده است؟		
	آیا اطلاعاتی راجع به سرمایه گذاری در پروژه های زیست محیطی ارائه شده است؟		
محصولات و خدمات	آیا اطلاعاتی راجع به توسعه محصول / سهم بازار ارائه شده است؟		
	آیا اطلاعاتی راجع به کیفیت محصول / ایزو ارائه شده است؟		
	آیا اطلاعاتی راجع به ایمنی و سلامت محصول ارائه شده است؟		
	آیا اطلاعاتی راجع به تعداد کارکنان ارائه شده است؟		
منابع انسانی	آیا اطلاعاتی راجع به حقوق ماهیانه / پاداش ارائه شده است؟		
	آیا اطلاعاتی راجع به سهام تحت تملک کارمندان ارائه شده است؟		
	آیا اطلاعاتی راجع به بازنشستگی و مزایای پایان خدمت ارائه شده است؟		
	آیا اطلاعاتی راجع به سلامت و ایمنی در محیط کار ارائه شده است؟		
	آیا اطلاعاتی راجع به برنامه های آموزش، ورزشی و رفاهی ارائه شده است؟		
	آیا اطلاعاتی راجع به وام / بیمه کارمندان ارائه شده است؟		
	آیا اطلاعاتی راجع به روحیه و ارتباطات کارمندان ارائه شده است؟		

مشتریان	آیا اطلاعاتی راجع به شکایت ها / رضایت مندی مشتریان ارائه شده است؟
	آیا اطلاعاتی راجع به سیاست پرداخت دیرتر برای برخی مشتریان خاص ارائه شده است؟
	آیا اطلاعاتی راجع به تدارک تسهیلات و خدمات پس از فروش ارائه شده است؟
مسئولیت های اجتماعی	آیا اطلاعاتی راجع به سرمایه گذاری اجتماعی ارائه شده است؟
	آیا اطلاعاتی راجع به حمایت از فعالیت های اجتماعی ارائه شده است؟
	آیا اطلاعاتی راجع به هدایا و خدمات خیریه ارائه شده است؟
	آیا اطلاعاتی راجع به اقدامات قانونی یا دعاوی قضایی ارائه شده است؟
	آیا اطلاعاتی راجع به فعالیت های مذهبی / فرهنگی ارائه شده است؟
انرژی	آیا اطلاعاتی راجع به حفظ و صرفه جویی در انرژی ارائه شده است؟
	آیا اطلاعاتی راجع به توسعه و اکتشاف منابع جدید ارائه شده است؟
	آیا اطلاعاتی راجع به استفاده از منابع جدید ارائه شده است؟
در نهایت مجموع امتیازات بدست آمده، به تعداد سوالات که ۲۸ مورد می باشد، تقسیم می گردد.	

هرچه نسبت بدست آمده بیشتر باشد، بیانگر این است که افشای مسئولیت اجتماعی بیشتر بوده و برعکس.

۳- متغیر تعدیل گر: ساختار مالکیت

مالکیت مدیریتی

درصد سهام نگهداری شده از کل سرمایه شرکت توسط اعضای هیأت مدیره به عنوان مالکیت مدیریتی تعریف می شود (عبدی و همکاران، ۱۳۹۶).

مالکیت نهادی

به پیروی از کالاتزیس، پلیکانی و موشلین (۲۰۱۰)، به عنوان یکی از عوامل موثر برای تشخیص محدودیت های مالی، میزان مالکیت نهادی است. بر مبنای بند ۲۷ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مالکیت نهادی از طریق نسبت در اختیار مالکان نهادی (مالکان بیش از ۵٪ سرمایه شرکت) به کل سهام منتشر شده شرکت محاسبه می شود (پور علیرضا و همکاران، ۱۳۹۶).

تمرکز مالکیت

تمرکز مالکیت با استفاده از شاخص هرفیندال هیرشمن به صورت زیر اندازه گیری می شود:

$$HHI = \sum_{i=1}^{nj} SHARE_{ij}^2$$

SHARE_{ij}: درصد سهام تحت تملک سهام دار i در شرکت j

هر اندازه این شاخص بیشتر باشد بیانگر تمرکز بیشتر مالکیت و حضور تعداد محدود سهامدار عمده در ساختار مالکیت است و بالعکس.

۴- متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت

با افزایش اندازه شرکت امکان استفاده از روش هایی با توجه به تجربیات سنوات قبل جهت فرار از پرداخت مالیات و به تعویق انداختن آن وجود دارد. اندازه شرکت برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت i در سال t (عابدی و صفری گرایلی، ۱۳۹۵).

اهرم مالی

میزان اهرم مالی نشان دهنده مقدار بدهی های شرکت ها می باشد و هرچه بیشتر باشد، شرکت ها سعی خواهند کرد از پرداخت مالیات فرار نمایند. اهرم مالی برابر است با تقسیم کل بدهی ها به کل دارایی های شرکت I در سال t (عابدی و صفری گرایلی، ۱۳۹۵).

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری

این نسبت نشان دهنده رشد شرکت می باشد و هر چه میزان رشد شرکت ها بالا باشد، میزان مالیات آنها بیشتر خواهد بود. این نسبت از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام بر ارزش دفتری کل دارایی ها مشخص می شود (عابدی و صفری گرایلی، ۱۳۹۵).

یافته‌های پژوهش

۱- آمار توصیفی پژوهش

یافته‌های پژوهش ابتدا در قالب آمار توصیفی به شرح زیر مورد اشاره قرار می گیرد.

جدول (۲): آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
اجتناب مالیاتی	۶۵۰	-۰.۲۱۱۷	۰.۱۸۷۳	-۰.۸۰۴۸	-۰.۰۰۱۲
افشای مسئولیت اجتماعی	۶۵۰	۰.۵۹۷۵	۰.۱۹۷۶	۰.۲۱۴۲	۰.۸۹۲۸
مالکیت مدیریتی	۶۵۰	۰.۵۹۶۰	۰.۲۵۸۱	۰.۰۰۴۸۸	۰.۹۲۰۲
مالکیت نهادی	۶۵۰	۰.۷۳۳۴	۰.۱۶۹۱	۰.۳۴	۰.۹۵۶۵
تمرکز مالکیت	۶۵۰	۰.۵۶۶۵	۰.۲۲۵۷	۰.۱۱	۰.۹۱۴۸
اندازه شرکت	۶۵۰	۱۴.۴۷۲۲	۱.۳۳۸۸	۱۲.۳۹۴۵	۱۷.۸۳۶۰
اهرم مالی	۶۵۰	۰.۵۷۴۹	۰.۱۸۴۳	۰.۲۳۱۸	۰.۸۹۴۶
ارزش بازار به ارزش دفتری	۶۵۰	۵.۶۶۲۰	۶.۰۳۳۸	۱.۰۴۸۲	۲۳.۶۱۷۵

نتایج آمار توصیفی پژوهش بیان می‌دارد؛ اجتناب مالیاتی به‌طور میانگین ۲۱ درصد می‌باشد که به نوعی نشان می‌دهد از مالیات تکلیفی تقریباً ۴ درصد فاصله دارد که به نوعی بیانگر این می‌باشد اجتناب مالیاتی در ایران محسوس نیست. میانگین افشای مسئولیت اجتماعی نیز نشان می‌دهد شرکت‌ها تقریباً از میزان متوسط به بالا اقدام به افشای مسئولیت‌های اجتماعی می‌کنند در حالی که این رقم کافی نمی‌باشد و برای اینکه اعتماد عمومی حاصل شود باید بیشتر به افشای مسئولیت اجتماعی خود پردازند.

کمترین میزان مالکیت مدیریتی ۴ درصد بوده و بیشترین مقدار آن ۹۲ درصد می‌باشد که میانگین نشان می‌دهد مدیران تقریباً ۵۹ درصد مالکیت شرکت‌ها را بر عهده دارند و مدیریت شرکت‌های ایرانی بیشتر توسط مالکان صورت می‌گیرد. همچنین این مهم با شدت بیشتری در مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت تأیید می‌شود.

میانگین اهرم مالی نشان می‌دهد میزان ریسک موجود در بورس تهران ۵۷ درصد می‌باشد که به نوعی بیانگر این موضوع است ۵۷ درصد دارایی‌های شرکت‌های ایرانی از محل بدهی تأمین مالی می‌گردد.

میانگین اندازه شرکت از حجم و گستردگی کافی شرکت‌های ایرانی حکایت دارد و میانگین ارزش بازار به ارزش دفتری نیز نشان می‌دهد ارزش حقوق صاحبان سهام در بازار ۵ و نیم برابر بیشتر از ارزش دفتری آن‌هاست.

در ادامه پیش فرض‌های رگرسیون خطی مطرح می‌شود.

۲- آزمون نرمال بودن:

نتیجه آزمون شاپیرو- فرانسیا برای متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. چون سطح معناداری متغیرها کمتر از ۵ درصد می‌باشد، بنابراین متغیرهای پژوهش از حالت توزیع نرمال تبعیت نمی‌کند. از آنجا که متغیرهای حسابداری در ایران تحت تأثیر اقتصاد تورمی می‌باشد و طی سال‌های اخیر شدت نوسانات بیشتر شده است، لذا با اعمال حذف داده‌های پرت در سطح ۵ درصد نتایج زیر حاصل شد. از اینرو با در نظر گرفتن قضیه حد مرکزی در ریاضیات و عدم دخل و تصرف در ماهیت اطلاعات به بررسی سایر فروض رگرسیون خطی پرداخته شد.

جدول (۲): آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

مقدار احتمال	متغیرها
۰.۰۰۰۰۱	اجتناب مالیاتی
۰.۰۰۰۰۱	افشای مسئولیت اجتماعی
۰.۰۰۰۰۱	مالکیت مدیریتی
۰.۰۰۰۰۱	مالکیت نهادی
۰.۰۰۰۰۱	تمرکز مالکیت
۰.۰۰۰۰۱	اندازه شرکت
۰.۰۰۰۰۷۸	اهرم مالی
۰.۰۰۰۰۱	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری

۳- نتایج آزمون فرضیه های پژوهش:

فرضیه اول

فرضیه ۱-۱ بیان می‌دارد: بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی رابطه وجود دارد.

جدول (۳): نتایج آزمون فرضیه ۱-۱

نام متغیر	ضرایب (Coefficient)	خطای استاندارد	آماره Z	Prob.
افشای مسئولیت اجتماعی شرکت	۰.۰۳۸۷	۰.۰۴۳۷	۰.۸۹	۰.۳۷۵
اندازه شرکت	۰.۰۳۵۵	۰.۰۰۵۶	۶.۳۰	۰.۰۰۰
اهرم مالی	-۰.۰۶۷۳	۰.۰۳۹۱	-۱.۷۲	۰.۰۸۶
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰.۰۰۰۲	۰.۰۰۱۴	-۰.۱۴	۰.۸۸۷
مقدار ثابت	-۰.۷۰۹۲	۰.۰۷۶۵	-۹.۲۶	۰.۰۰۰

ضریب تعیین	R-squared	۰.۰۷۸
آماره والد	۵۴.۵۴	۰.۰۰۰۰Prob.
خودهمبستگی سریالی	۰.۱۹۷	۰.۶۵۸۰Prob.
ناهمسانی واریانس	۱.۵۰۰۰	۰.۰۰۰۰Prob.
آماره H- hausman	۲۰.۰۵	۰.۰۰۰۰Prob.
آماره F-limer	۲.۴۱	۰.۰۰۰۰Prob.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ی ۱-۱ که در جدول (۳) ارائه شده است، سطح معناداری آماره F-limer (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده، بنابراین روش داده‌های پانلی نسبت به روش داده‌های پولد ارجحیت دارد. همچنین با توجه به اینکه سطح معناداری آماره H-hausman (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده، بنابراین روش رگرسیون با اثرات ثابت نسبت به روش رگرسیون با اثرات تصادفی ارجحیت دارد. در مرحله بعد با توجه به اینکه آماره والد (۰/۰۰۰۰) دارای سطح معناداری زیر (۵ درصد) می‌باشد، بنابراین رگرسیون قدرت تبیین دارد. از طرفی دیگر ضریب تعیین در رگرسیون نشان دهنده درصد تبیین کنندگی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی می‌باشد. همان‌گونه که در جدول فوق نشان داده شد ضریب تعیین این معادله برابر با ۰.۰۷۸ می‌باشد بدین معنی که تقریباً ۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود. چون سطح معناداری افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (متغیر مستقل) بیشتر از ۵ درصد می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه اول پژوهش مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

فرضیه دوم

فرضیه اصلی دوم بیان می‌دارد: ساختار مالکیت بر ارتباط بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی تأثیر دارد. فرضیه ۱-۲ بیان می‌دارد: مالکیت مدیریتی بر ارتباط بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی تأثیر دارد.

جدول (۴): نتایج آزمون فرضیه ۱-۲

نام متغیر	ضرایب (Coefficient)	خطای استاندارد	آماره Z	Prob.
افشای مسئولیت اجتماعی شرکت	-۰.۱۵۲۰	۰.۱۳۶۸	-۱.۱۱	۰.۲۶۶
مالکیت مدیریتی	-۰.۱۸۶۸	۰.۱۰۶۶	-۱.۷۵	۰.۰۸۰
مالکیت مدیریتی* افشای مسئولیت اجتماعی شرکت	۰.۳۱۰۱	۰.۱۷۲۷	۱.۷۹	۰.۰۷۳
اندازه شرکت	۰.۰۲۵۵	۰.۰۰۷۳	۴.۸۶	۰.۰۰۰
اهرم مالی	-۰.۰۰۰۶	۰.۰۶۱۷	-۰.۰۱	۰.۹۹۲
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۱۲	۰.۰۸	۰.۹۳۴
مقدار ثابت	-۰.۶۳۶۷	۰.۰۷۹۴	-۸.۰۱	۰.۰۰۰
ضریب تعیین	R-squared			۰.۰۷۶
آماره والد	۱۹۶.۵۲			۰.۰۰۰۰Prob.
خودهمبستگی سریالی	۰.۲۲۳			۰.۶۳۷۹Prob.
ناهمسانی واریانس	۱.۱۰۰۰			۰.۰۰۰۰Prob.
آماره H- hausman	۲۷.۶۶			۰.۰۰۰۰Prob.
آماره F-limer	۲.۴۶			۰.۰۰۰۰Prob.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ی ۱-۲ که در جدول (۴) ارائه شده است، سطح معناداری آماره F-limer (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده، بنابراین روش داده‌های پانلی نسبت به روش داده‌های پولد ارجحیت دارد. همچنین

با توجه به اینکه سطح معناداری آماره H- hausman (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده، بنابراین روش رگرسیون با اثرات ثابت نسبت به روش رگرسیون با اثرات تصادفی ارجحیت دارد. در مرحله بعد با توجه به اینکه آماره والد (۰/۰۰۰۰) دارای سطح معناداری زیر (۵ درصد) می باشد، بنابراین رگرسیون قدرت تبیین دارد. از طرفی دیگر ضریب تعیین در رگرسیون نشان دهنده درصد تبیین کنندگی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی می باشد. همان گونه که در جدول فوق نشان داده شد ضریب تعیین این معادله برابر با ۰۰۰۷۶ می باشد بدین معنی که تقریباً ۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می شود. از آنجا که متغیرهای تعاملی مالکیت مدیریتی* افشای مسئولیت اجتماعی شرکت دارای سطح معناداری بالای ۵ درصد (۰/۰۷۳) می باشد و فرضیه پژوهش در معناداری ۱۰ درصد مورد پذیرش قرار می گیرد. با توجه به ضریب منفی مالکیت مدیریتی، کاهش مالکیت مدیریتی ضمن آنکه افشای مسئولیت های اجتماعی شرکت ها را کاهش می دهد، می تواند منجر به افزایش اجتناب مالیاتی نیز شود.

فرضیه ۲-۲ بیان می دارد: مالکیت نهادی بر ارتباط بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت ها و اجتناب مالیاتی تأثیر دارد.

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه ۲-۲

نام متغیر	ضرایب (Coefficient)	خطای استاندارد	آماره Z	Prob.
افشای مسئولیت اجتماعی شرکت	-۰.۳۴۰۶	۰.۲۱۹۸	-۱.۵۵	۰.۱۲۱
مالکیت نهادی	-۰.۳۴۳۸	۰.۱۸۳۱	-۱.۸۸	۰.۰۶۰
مالکیت نهادی* افشای مسئولیت اجتماعی شرکت	۰.۴۹۳۳	۰.۲۶۵۵	۱.۹۲	۰.۰۵۵
اندازه شرکت	۰.۰۳۴۵	۰.۰۰۶۹	۴.۹۸	۰.۰۰۰
اهرم مالی	-۰.۰۰۹۴	۰.۰۶۰۲	-۰.۱۶	۰.۸۷۵
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۱۲	-۰.۰۴	۰.۹۶۶
مقدار ثابت	-۰.۴۶۶۰	۰.۱۴۲۰	-۳.۲۸	۰.۰۰۱
ضریب تعیین	R-squared		۰.۰۷۸	
آماره والد	۳۴۶.۵۵		۰.۰۰۰۰Prob.	
خودهمبستگی سریالی	۰.۲۶۶		۰.۶۰۶۷Prob.	
ناهمسانی واریانس	۱.۵۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰Prob.	
آماره H- hausman	۳۹.۵۴		۰.۰۰۰۰Prob.	
آماره F-limer	۲.۵۰		۰.۰۰۰۰Prob.	

با توجه به نتایج آزمون فرضیه ۲-۲ که در جدول (۵) ارائه شده است، سطح معناداری آماره F-limer (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده، بنابراین روش داده های پانلی نسبت به روش داده های پولد ارجحیت دارد. همچنین با توجه به اینکه سطح معناداری آماره H- hausman (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده، بنابراین روش رگرسیون با اثرات ثابت نسبت به روش رگرسیون با اثرات تصادفی ارجحیت دارد. در مرحله بعد با توجه به اینکه آماره والد (۰/۰۰۰۰) دارای سطح معناداری زیر (۵ درصد) می باشد، بنابراین رگرسیون قدرت تبیین دارد. از طرفی دیگر ضریب تعیین در رگرسیون نشان دهنده درصد تبیین کنندگی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی می باشد. همان گونه که در جدول فوق نشان داده شد ضریب تعیین این معادله برابر با ۰۰۰۷۶ می باشد بدین معنی که تقریباً ۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می شود. از آنجا که متغیرهای تعاملی مالکیت نهادی* افشای مسئولیت اجتماعی شرکت دارای سطح معناداری بالای ۵ درصد (۰/۰۵۵) می باشد و فرضیه پژوهش در معناداری ۱۰ درصد مورد پذیرش

قرار می‌گیرد. با توجه به ضریب منفی مالکیت نهادی، کاهش مالکیت نهادی ضمن آنکه افشای مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، می‌تواند منجر به افزایش اجتناب مالیاتی نیز شود.

فرضیه ۲-۳ بیان می‌دارد: تمرکز مالکیت بر ارتباط بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی تأثیر دارد.

جدول (۶): نتایج آزمون فرضیه ۲-۳

نام متغیر	ضرایب (Coefficient)	خطای استاندارد	آماره Z	Prob.
افشای مسئولیت اجتماعی شرکت	-۰.۰۷۹۷	۰.۱۱۵۶	-۰.۶۹	۰.۴۹۱
تمرکز مالکیت	-۰.۱۲۳۹	۰.۱۱۰۱	-۱.۱۲	۰.۲۶۱
تمرکز مالکیت* افشای مسئولیت اجتماعی شرکت	۰.۲۰۴۵	۰.۱۷۱۱	۱.۲۰	۰.۲۳۲
اندازه شرکت	۰.۰۳۵۳	۰.۰۰۵۵	۶.۳۴	۰.۰۰۰
اهرم مالی	-۰.۰۶۶۹	۰.۰۳۹۸	-۱.۶۸	۰.۰۹۳
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰.۰۰۰۲	۰.۰۰۱۴	-۰.۱۸	۰.۸۵۴
مقدار ثابت	-۰.۶۳۵۷	۰.۰۹۵۴	-۶.۶۶	۰.۰۰۰
ضریب تعیین	R-squared		۰.۰۸۰	
آماره والد	۵۷.۵۳		۰.۰۰۰۰Prob.	
خودهمبستگی سریالی	۰.۲۶۳		۰.۶۰۸۸Prob.	
ناهمسانی واریانس	۱.۳۰۰۰۰		۰.۰۰۰۰Prob.	
آماره H- hausman	۳۶.۳۰		۰.۰۰۰۰Prob.	
آماره F-limer	۲.۴۹		۰.۰۰۰۰Prob.	

با توجه به نتایج آزمون فرضیه ۲-۳ که در جدول (۶) ارائه شده است، سطح معناداری آماره F-limer (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده، بنابراین روش داده‌های پانلی نسبت به روش داده‌های پولد ارجحیت دارد. همچنین با توجه به اینکه سطح معناداری آماره H- hausman (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده، بنابراین روش رگرسیون با اثرات ثابت نسبت به روش رگرسیون با اثرات تصادفی ارجحیت دارد. در مرحله بعد با توجه به اینکه آماره والد (۰/۰۰۰۰) دارای سطح معناداری زیر (۵ درصد) می‌باشد، بنابراین رگرسیون قدرت تبیین دارد. از طرفی دیگر ضریب تعیین در رگرسیون نشان دهنده درصد تبیین کنندگی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی می‌باشد. همان‌گونه که در جدول فوق نشان داده شد ضریب تعیین این معادله برابر با ۰.۰۸۰ می‌باشد بدین معنی که تقریباً ۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود. از آنجا که متغیرهای تعاملی تمرکز مالکیت * افشای مسئولیت اجتماعی شرکت دارای سطح معناداری بالای ۵ درصد (۰/۲۳۲) می‌باشد، فرضیه مطرح شده مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری و تفسیر یافته‌های پژوهش

قبول فرض وجود مالیات در تحلیل‌های مالی این قاعده کلی را که بازارهای مالی کامل قلمداد می‌شوند را نقض کرده و سبب می‌گردد که اصولاً بازارهای مالی ناقص در نظر گرفته شوند. بر اساس فرض ناقص بودن بازارها، مدیران می‌توانند با تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی و عملیاتی خود به‌طور جداگانه بر ارزش شرکت اثر بگذارند. با در نظر گرفتن فرض دسایبی که مالیات را یک مسئولیت اجتناب‌ناپذیر می‌داند، تصمیمات مالی و عملیاتی که دارای اثرات مالیاتی متفاوتی هستند و از هم جدا در نظر گرفته می‌شوند، بررسی این مهم که آیا افشای مسئولیت‌های اجتماعی منجر به اجتناب مالیاتی در

جهت استفاده بهینه از منابع بالقوه موجود می‌شود، ضروری به نظر رسید. نتایج پژوهش حاضر نشان داد وقتی مالکیت مدیریتی و نهادی کاهش می‌یابد منجر به کاهش افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌شود و این بدان معنی است که نظام راهبری شرکتی نقش مهمی در افشای مسئولیت‌های اجتماعی خواهد داشت و در نتیجه فقدان و ضعف در این معیارها می‌تواند منجر به فرار مالیاتی (اجتناب مالیاتی) گردد. نتیجه بدست آمده از منظر تئوری تصمیم نیز مهم می‌باشد که به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد در شرکت‌هایی اقدام به سرمایه‌گذاری نمایند که معیارهای مالکیت یا راهبری شرکتی از قبیل مالکیت مدیریتی و نهادی بیشتر بوده، چرا که در آن شرکت‌ها معیارهای راهبری دارای اثرگذاری بیشتری است و این گروه منجر به همسویی منافع شرکت با منافع عام جامعه می‌شوند و همچنین مسيردهی نظریه پاسخگویی در قبال منابع موجود را برای مدیران را تسهیل می‌کند.

نتایج پژوهش حاضر با مطالعات تارک ابدالفتاح و احمد ابوید (۲۰۲۰)، جوست کورمان و پاتریکس ویلیت (۲۰۱۹)، هوزینوف و کلام (۲۰۱۲)، همراهی می‌باشد.

محدودیت اصلی پژوهش حاضر در دو بعد بود که منجر به کاهش نمونه آماری گردید:

۱- زمان بر بودن تشخیص قطعیت مالیات ابرازی که در برخی شرکت‌ها هنوز با بیش از ۳-۴ سال بلاتکلیفی وجود دارد.

۲- عدم افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در گزارشات جداگانه که گاهی در جمع‌آوری اطلاعات قضاوت‌های محقق مهم بود.

منابع

- ✓ حساس یگانه، یحیی، رضایی، شهروز، (۱۳۹۷)، مدلی برای تاثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۵، شماره ۵۸، صص ۲۷-۵۸.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، بولو، قاسم، رضایی، شهروز، (۱۳۹۷)، الگویی برای تاثیر ابعاد مختلف مسئولیت اجتماعی شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۱۱، شماره ۴، صص ۱۱۱-۱۳۰.
- ✓ حمیدیان، محسن، (۱۳۹۶)، بررسی ابعاد مختلف راهبری شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش سرمایه‌گذاری، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۲۲۹-۲۴۴.
- ✓ جلالیری، فهیمه، (۱۳۹۱)، تبیین رابطه بین تمرکز مالکیت و عملکرد سرمایه‌فکری و ارزش شرکت در بازار سرمایه ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، به راهنمایی دکتر محمد زنجیردار و دکتر پیمان غفاری.
- ✓ دیدار، حمزه، منصورفر، غلامرضا، کفعمی، مهدی، (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۴، صص ۴۰۹-۴۳۰.
- ✓ رضایی، فرزین، عظیمی، آزاد، (۱۳۹۴)، رابطه ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و مدیریت مالیاتی در شرکت‌ها: رویکرد کلان اقتصادی، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۵.
- ✓ عبدی، رسول، زینالی، مهدی، تقی زاده خانقاه، وحید، (۱۳۹۶)، تاثیر مالکیت مدیریتی بر رابطه بین جریان‌های نقد آزاد و ناکارایی سرمایه‌گذاری، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۱۵۷-۱۹۱.

- ✓ علوی طبری، سیدحسین، رجبی، روح اله، شهبازی، منصوره، (۱۳۹۰)، رابطه نظام راهبری و حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکت ها، مجله دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۵، صص ۷۵-۱۰۱.
- ✓ قارسی، محسن، (۱۳۹۶)، ارتباط بین مسئولیت اجتماعی شرکت و ساختار سرمایه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، به راهنمایی دکتر یونس بادآور نهندی.
- ✓ مشایخی، بیتا، سیدی، سید جلال، (۱۳۹۴)، راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی، فصلنامه دانش حسابداری، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۸۳-۱۰۳.
- ✓ نوروش، ایرج، ابراهیمی کردلر، علی، (۱۳۸۴)، بررسی و تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۸، صص ۱۷-۸۴.
- ✓ Ahmed, S., Islam, M. and Hasan, I. (2012). Corporate Social Responsibility and Financial Performance Linkage Evidence from the Banking Sector of Bangladesh. *Journal of Organizational Management*, 1 (1): 14-21.
- ✓ Armstrong, C., Blouin, J., Jagolinzer, A., Larcker, D. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance, *Journal of Accounting and Economics*, 60 (1), 1 – 17
- ✓ Davis, A. K., Guenther, D. A., Krull, L. K., & Williams, B. M. (2016). Do socially responsible firms pay more taxes? *The Accounting Review*, 91 (1), 47-68.
- ✓ Desai, M. A., and D. Dharmapala. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value", the *Review of Economics and Statistics*, PP.91.
- ✓ Dkhili, H. and Ansi, H. (2012). The Link between Corporate Social Responsibility and Financial Performance: The Case of the Tunisian Companies". *Journal of Organizational Knowledge Management*, 2012 (2012): 1-11.
- ✓ Graham, J., Tucker, A. (2006). Tax shelters and corporate debt policy, *Journal of Financial Economics*, 81: 563–594.
- ✓ Gupta, S., and K. Newberry. (1997). Determinants of the variability in corporate effective tax rates: Evidence from longitudinal study. *Journal of Accounting and Public Policy*, 16 (1): 1–34.
- ✓ Hanlon, M., and S. Heitzman, A review of tax research, 2009 Working Paper.
- ✓ Hanlon, M., and S. Heitzman. (2010). "A review of tax research" *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2- 3): 127–178.
- ✓ Hoi, C. K., Wu, Q., & Zhang, H. (2013). Is corporate social responsibility (CSR) associated with tax avoidance? Evidence from irresponsible CSR activities. *The Accounting Review*, 88 (6), 2025-2059.
- ✓ Khuruna and Muser w. (2009)., institutional ownership and tax aggressiveness, working paper. University of Missouri at Columbia. www.ssrn.com
- ✓ Laguir, I., Staglianò, R., & Elbaz, J. (2015). Does corporate social responsibility affect corporate tax aggressiveness? *Journal of Cleaner Production*, 107, 662-675.
- ✓ Landry, S., Deslandes, M., & Fortin, A. (2013). Tax aggressiveness, corporate social responsibility, and ownership structure. *Journal of Accounting, Ethics & Public Policy*, 14 (3), 611-645.
- ✓ Lanis, R., & Richardson, G. (2015). Is corporate social responsibility performance associated with tax avoidance? *Journal of Business Ethics*, 127 (2), 439-457.
- ✓ Rego, S.O. and R. Wilson, executive Compensation, Tax Reporting aggressiveness, and future Firm Performance. (2008). working Paper. University of Iowa. [Online]. www.ssrn.com

- ✓ Setiawan, M. and Darmawan. (2011). “The Relationship between Corporate Social Responsibility and Firm Financial Performance: Evidence from the Firms Listed in LQ45 of The Indonesian Stock Exchange Market”. *European Journal of Social Sciences*, 23 (2): 288-293.
- ✓ T, Aboud A, Tax avoidance (2020), corporate governance, and corporate social responsibility: The case of the Egyptian capital market, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* .